

تحلیل ویژگی‌های حضرت عباس علیه السلام در گفتار معصومین علیهم السلام

تاریخ دریافت ۹۵/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش ۹۶/۰۲/۱۵

دکتر مصیب عباسی^۱

چکیده

بی تردید نهضت امام حسین علیه السلام فصل نوینی را در تاریخ اسلام رقم زد و مرز اسلام علوی را از اسلام اموی مشخص نمود. کسی که در کنار امام در ترسیم این مرز و تقابل با امویان نقش محوری و حیاتی داشت، حضرت ابوالفضل علیه السلام بوده است. او در طول زندگی ۳۴ ساله خود با تربیت در مکتب علوی کوشید در عصر حکومت پدر و امامت دو برادر به شایستگی از نظام امامت دفاع نماید و در نبردهای سخت و نرم حضور مقتدرانه و معرفت‌زایی داشته باشد. همگامی او با حسین علیه السلام و همدلی و همراهی او با حسن علیه السلام از ویژگی‌های ممتاز وی به عنوان یک پیرو مخلص امام است. بررسی ویژگی و مقام و منزلت عباس علیه السلام در روایات ائمه اطهار مهم‌ترین مسئله این مقاله است. برای تحلیل مسئله و کسب اطلاعات مورد نیاز به منابع تاریخی و حدیثی و تحقیقات صورت گرفته مراجعه و روشن گردید که ائمه هدی در باب حضرت عباس علیه السلام سخنان ارزنده و تأثیرگذاری بیان داشتند که این مقاله به استناد آن سخنان به رشته تحریر درآمده است. روایات متخذه مبین ویژگی‌هایی است که نشانگر مقام رفیع عباس علیه السلام نزد آنان است که در این مقاله به آن ویژگی‌ها اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: ابوالفضل علیه السلام، امام حسین علیه السلام، نهضت کربلا، ائمه

هدی علیهم السلام.

۱. عضو هیات علمی دانشگاه گلستان (m.abbasi@gu.ac.ir)

مقدمه

ظهور و گسترش اسلام در قرن اول هجری، ضمن تولید و اشاعه گفتمان و نظریه بدیع و چرایی و چگونگی اداره جوامع بشری و نیز ساخت یک تمدن، بسیاری از نحله‌های فکری و باورهای دیرینه قبیلگی و گاه قیصری و کسرابی را به چالش کشید. زدودن غبار آداب و سنن جاهلی در جزیره العرب و عبور فرهنگ و معارف اسلامی از مرزهای عربستان و نیز آگاهی مردم دیگر سرزمین‌ها تا مرزهای اروپا از این معارف از جمله دستاوردهای مهم فرهنگی مسلمانان بوده است، اما نکته در خور تأمل این است که مسلمانان پس از رحلت رسول الله برای اداره جامعه به روش دو گانه رسیدند، روشی مبتنی بر امامت و روشی مبتنی بر خلافت.

در روش امامت، مرجعیت دینی و مرجعیت علمی و نیز هدایت و مدیریت و سپردن امامت به فرد واجد عصمت، عدالت و علم به نص الهی، از اصول اساسی بوده و در روش خلافت اداره جامعه مقدم بر مرجعیت علمی و دینی و بدون نیاز به نص الهی است. از آنجا که روش خلافت مبنای مدیریت جامعه قرار گرفت، امامت به عنوان یک فلسفه و بحث نظری در ذهن بخشی از جامعه ماند و به مثابه پشتوانه فکری و عملی نقد خلافت ایفای نقش نمود.

هریک از ائمه اطهار به تناسب وضعیت عصر خویش برای پاسداری از اسلام و سیره رسول الله و انجام ماموریت الهی خویش کوشیدند تا سیمای جامعه را از بدعت‌ها، انحرافات، اشرافیت و ستمگری و تضعیف ارزش‌های اسلامی بزدایند و مکتب فکری و فقهی محکمی را پایه گذاری نمایند.

ائمه به عنوان با صلابت‌ترین و عزیزترین و جامع‌ترین انسانها، برای استمرار رسالت الهی اسلام و احیای سنت و میراث تمدنی پیامبر خدا با تمام ظرفیت به امر هدایت و روشننگری مردم مشغول بوده و گاه با قبول مسئولیت و مدیریت جامعه و گاه با صلح و قیام و تقیه به تکلیف الهی و وظیفه اجتماعی خود عمل نمودند.

عده‌ای از مسلمانان و صحابه رسول الله همسو و هم‌رأی با ائمه، در این حرکت تاریخی در صحنه بوده و به عنوان مبلغ، مبشر و مبارز در نبرد نرم و سخت و یا بر منبر ارشاد و



هدایت حضور داشتند. در این جمع ولایی، افرادی از اقوام عربی ایرانی، آفریقایی حاضر بوده و چنان امام عصر خویش، علم پاسداری از اسلام را تا سرحد ایشار جان بردوش گرفتند.

غلبه تفکر قبیلگی بر تصمیمات و سیاست‌های خلفا و نفوذ و تسلط امویان بر نهاد خلافت، بستر انحرافات از اصول قرآن و سیره رسول الله را فزونی بخشید و زمینه بازگشت اشرافیت جاهلی را مهیا ساخت. دوره حکومت امام علی فرصت گرانبهایی را برای گروه مردم به مکتب اهل بیت و نیز احیای سیره تابناک رسول الله بود. اما تفکر قبیلگی و اشرافیت عربی مانع از تحقق چنین آرمانی گردید و امام را به ناچار در شرایط تقابل با این تفکر بنیان برافکن و ویرانگر قرار داد که نتیجه آن ظهور اسلام ناب محمدی و علوی و اسلام دروغین اموی بود؛ تقابلی که مردم در هاله‌ای از شک و تردید قرار گرفته و با تسلط امویان بر حکومت جرات حمایت از مکتب اهل بیت را از دست داده و شاهد قتل آزار و تعقیب و حبس مردان آسمانی و پیروان مؤمن آنها شدند.

در بین یاران و پیروان نظام امامت، حضرت عباس علیه السلام، فرزند امام علی نقشی ممتاز و تأثیرگذاری داشت وی زندگی سه امام را درک نمود و در عاشورای سال ۶۱ قمری در راه دفاع از مکتب امامت و حقیقت اسلام به شهادت رسید. او نه به عنوان فرزند امام، بلکه به عنوان یک پیرو کامل، از سن نوجوانی همراه پدر و برادران به تکلیف الهی خویش عمل نمود و به عینه صحنه تقابل اسلام انحرافی اموی را با حقیقت اسلام شاهد بود و رشادت ایشان در صحنه کربلا ریشه در تربیت علوی او دارد و اگر در روایت ائمه هدی، پس از واقعه کربلا از مقام و منزلت عباس بن ابی طالب سخن گفته می‌شود، ناشی از صلابت ایمان و عمق باورهای او در گذشته بوده است و همین طور نقش بی بدیل وی در جهاد با ستمگران و منحرفان از اسلام راستین می‌باشد. در این مقاله تلاش شده است که روایات ماثوره از ائمه هدی درباره حضرت ابوالفضل علیه السلام مورد تحلیل قرار گیرد با توجه به اهمیت موضوع و شخصیت قمر بنی هاشم سعی گردید بر اساس منابع معتبر روایات و گزارشهای تاریخی استخراج و با استناد به آنها موضوع مورد بررسی قرار گیرد. شناخت ویژگی‌های حضرت ابوالفضل علیه السلام در روایات ائمه هدی، مهم‌ترین مسئله

این مقاله است.

رسالت حضرت عباس علیه السلام در عصر سه امام

درس آموزی حضرت عباس علیه السلام از مکتب علوی

تکلیف عباس علیه السلام در ۳۴ سال زندگی (امینی، ۱۴۰۳، ج ۷: ۴۲۹) در دفاع از حریم امام و امامت و خضوع در برابر ولایت الله و ولایت امام عصر خویش منبعث از ایمان باطنی و بصیرت دینی است. قوت ایمان و استواری در راه خدا یکی از بارزترین ویژگی‌های حضرت عباس علیه السلام است. آن مرد الهی که در دامان ایمان و مرکز تقوا پرورش یافته بود، چنان تقوا و ایمان با روح و روان و تمام وجود او عجین شده بود که وی را به یکی از بزرگان تقوا و توحید مبدل ساخت. (ابطحی ۱۳۹۱: ۹۹)

خداوند در قرآن (یوسف / ۱۰۶) می‌فرماید: "اکثر مؤمنین ایمان نمی‌آورند، مگر آنکه همراه ایمان شرک هم می‌ورزند یعنی شرک خفی می‌ورزند" ولی عباس از همان کودکی این توحید را نمایان ساخت.

چنانکه امام صادق علیه السلام به ایمان عمویش عباس علیه السلام اشاره دارد و می‌گوید:

عمویمان عباس بصیرتی نافذ و ایمانی استوار داشت. (ابن عنبه، ۳۵۶: ۱۳۸۰)

تربیت عباس علیه السلام در دامان پدری معصوم و مادری نیکو خصال از وی عبد صالح و مؤمن متعهد ساخت. از سجده‌های طولانی و کثرت نماز عباس علیه السلام در روایات سخن به میان آمده و آثار سجده برجبین او ظاهر گشته و مصداقی از این آیه قران بود (سیماهم فی وجوه من اثر السجود) بود (فتح: ۲۹).

ابوالفرج اصفهانی در باره این نوع رفتار عبادی و فاداری عباس علیه السلام نقل‌های درس آموزی بیان نموده است (ابوالفرج اصفهانی ۵۴-۱۵۳). افزون بر قوت ایمان و عمق بینش دینی عباس علیه السلام وی در فراگیری علم و دانش سرآمد بود، زیرا در مکتب علم و دین حضرت علی علیه السلام درس آموخت. تعبیر: "زق العلم زقا" که در برخی نقل‌ها آمده است، اشاره به این حقیقت دارد که تغذیه علمی او از همان دوران کودکی بوده است. مقام فقهی او بالا بوده و نزد راویان مورد وثوق به شمار می‌رفت و دارای



پارسایی فوق العاده بود. نظری برخی از دانشمندان در مورد وی چنین است عباس علیه السلام از فقیهان و دین شناسان اولاد ائمه بود و عادل ثقه با تقوا و پاک بود. (رضایی چناری، ۱۳۸۸، چ سوم: ۲۹ - ۲۸)

فردی که سیره و سیمای او چنان شبیه مولا علی است، همانند برادرانش در دوره حکومت امیرالمؤمنین در رکاب ولی جامعه بوده است. عباس علیه السلام در روزهای سخت صفین، علی رغم سن کم، در صحنه بوده و در گزارش های روایی و تاریخی آمده که وارد نبرد شده و تنی چند از سربازان معاویه را از پای در آورده و نیز گفته شده که عباس علیه السلام در کنار برادرش حسین علیه السلام در صفین برای دور ساختن دشمن از فرات و آوردن آب حضور داشته است (هادی منش ۱۳۸۱: ۴۷)

او در عصر امامت امام مجتبی علیه السلام موضعی موافق امام و برادر مظلوم و معصوم خویش داشت و پس از بازگشت امام به مدینه در کنار او به یاری نیازمندان شتافت. او همانند پدر، ایتام گرسنه را سیرمی کرد و برهنگان را می پوشانید و پیادگان را سوار می کرد و زیردستان و ضعیفان را نوازش و دستگیری می نمود. (عماد زاده، ۱۳۴۱، چ چهارم: ۱۳۴)

هرکس حاجتی به حضرت حسن علیه السلام یا حسین علیه السلام داشت به حضرت عباس علیه السلام عرض می کرد. رفعت و مهربانی و مهرورزی عباس علیه السلام با مردم به گونه ای بود که به او لقب "باب الحوائج" دادند اما عباس علیه السلام وقتی شاهد جفای ماموران معاویه نسبت به برادرش حسن علیه السلام و تیرباران نمودن جنازه او گردید، طاقت نیاورده دست بر قبضه شمشیر برده و امام حسین علیه السلام مانع او شد و برادر را به صبر دعوت نمود. (شریف القرشی ۱۴۱۱ق: ۱۱۲)

قمر بنی هاشم تا آخرین دوران از زمان را با چشمهای تیزبین و سبب سوز خود مرور می کرد و می دید. اقدامات پدرش برای فردای تاریخ، به عنوان یک اصل اصیل حکومت داری مطرح بوده و می بایست به اجرا گذاشته شود و اگر آنهایی که می خواهند زمام امور اداره جامعه اسلامی را به عهده گیرند به آنچه امروز تصویب می شود توجهی نداشته باشند، بی تردید موفق نخواهند بود. عباس بن علی علیه السلام از نزدیک می بیند پدرش

چطور بی محابا، نورچشمی‌ها را از کارهای کلیدی کنار می‌گذارد و در کنار پدر فهم می‌کند نورچشمی‌ها هستند، که به اعتبار نزدیکی می‌توانند کم‌کاری زیاد، برداشتن از بیت‌المال، هرآنچه می‌خواهند بردارند، اینان هستند که به لحاظ نورچشمی بودن از مرز مقررات عبور می‌کنند. (بدرالدین ۱۸۷:۱۳۸۱)

قمر بنی‌هاشم در عصر امام حسن علیه السلام همانند برادر مظلومش حسین بن علی علیه السلام و پیرو مخلص ولی عمل می‌نمود. عباس علیه السلام به عینه شاهد رفتارهای مزورانه و منفعت طلبانه و سطحی‌گرایانه یاران و مردم عصر امامت حسن بن علی بود و در این روزگار سخت همگام با حسین علیه السلام همراه با حسن علیه السلام بود. سکوت و نرمش و صبر او پیوست نرمش قهرمانانه امام عصر بوده است. مکتب علوی به او آموخته بود که تحت هر شرایط مطیع امام عصر خویش باشد و همانند یک پیرو تمام عیار در رکاب امام حرکت نماید و چنان صحابه دنیاگرا در عرض امامت قرار نگیرد. او به عینه نظاره‌گر تحمیل صلح بر امام بود و جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی و شناخت عمیق او از تفکر قبیلگی و جاهلی امویان بیش از پیش فزونی یافت. او تربیت سیاسی اجتماعی خود را در عرصه عمل آموخت. سیاست ورزی او در رکاب سه امام شکل می‌گیرد؛ او همگام با حسین علیه السلام و همدل با حسن علیه السلام در دوران صلح در مدینه به حیات علوی خویش ادامه داد و در روز شهادت امام حسن علیه السلام و تشیع جنازه او نقشی متفاوت از خود نشان داد، او وقتی توهین و جسارت و بی‌حرمتی امویان را بر جنازه برادر و امام جامعه دید، دست بر قبضه شمشیر برد تا توهین آنها را پاسخ دهد، اما امام حسین علیه السلام بنا به وصیت برادرشان که خونریزی را روا ندانسته بودند، ایشان را از حمله به بنی‌امیه باز داشتند. (ابطحی، ۱۳۹۱:۱۰۸۱)

در مرام عباس علیه السلام از اطاعت محض از امام عصر خویش وجود دارد، کما اینکه در هنگامه امامت امام حسن علیه السلام او مانند یک پیرو کامل، فرموده امام را در خصوص پرهیز از مبارزه و ماندن در خانه تا زمان معاویه زنده است (جعفریان، ۱۳۷۴: ج دوم ۳۷۸) بر چشم نهاد و سکوت عالمانه و امام‌گونه را بر مبارزه شجاعانه ترجیح داد. وفاداری عباس به تصمیم امام حسن علیه السلام همانند وفاداری او در قیام عاشورا، نسبت به

امام حسین علیه السلام است و راز این نوع وفاداری برگرفته از مکتب علوی و سیره نبوی است. شیعه معتقد است که کردار و گفتار ائمه اطهار همانند نور واحد است و هر یک به اقتضای شرایط، برای حفظ اسلام و حفاظت از جان، مال، ناموس و دین مردم بوده است و هرگز مردم را به انجام کاری و یا حضور در صحنه‌ای اجبار نکرده‌اند و این نوع نگرش ائمه نسبت به خویشان و اهل بیت خود نیز صادق است در منابع حدیثی و تاریخی، روایتی دال بر تحمیل رای امام برزیکانش وجود ندارد، در نتیجه امام حسن علیه السلام بزرگ‌ترین قدم اصلاحی را برداشت و در هنگامه‌ای که فتنه و فساد حاکم بود درهای مکتب اخلاق محبت و اصلاح را گشود. (پیشوایی، ۱۳۷۸، چ نهم: ۱۳۸)

رفتار حضرت عباس علیه السلام در نهضت کربلا

با فوت معاویه و آغاز سلطنت یزید در سال ۶۰ قمری، شرایط تاریخی جدیدی به وجود آمد. این شرایط مولود تفکر قبیلگی و تلاش چند دهه امویان برای برقراری ملوکیت بوده است. یزید اولین ملک این تفکر است و امام حسین علیه السلام نیز اولین امام در تقابل با این تفکر، تفکری که بالذات ریشه دینی ندارد و از نوع و جنس قیصری و کسرابی است. گفتمان امامت در تقابل با گفتمان خود ساخته اموی فصل نوینی را در تاریخ اسلام رقم زد و عاشورای سال ۶۱ نشانگر عمق راهبردی امام حسین علیه السلام دراز میان برداشتن تفکر طاغوتی اموی از روح و روان و اندیشه مسلمانان است و مبین خلق گفتمان نو برای فردای تمدن اسلامی است. در این گفتمان که مبانی آن برآمده از قرآن و سیره نبوی و علوی و مولود غدیر است، فردی چون حسین بن علی علیه السلام مدیریت راهبردی آن را به عنوان امام عصر به عهده دارد. او برای تحکیم مبانی این گفتمان و تجمیع پیروان خود و فتح قلوب آیندگان و نیز ساختن راهی به سوی خلق ایده‌های انقلابی علیه ستمگران و مستبدان به صحنه آمد؛ صحنه‌ای که جز اندک انسانهای مؤمن و مخلص وی را یاری نکردند.

امام برای رهانیدن امت پیامبر از ظلمات اموی و وارد نمودن آن‌ها در مسیر نور و هدایت، علم مبارزه علیه یزید و یزیدیان را بردوش گرفت. امام با عمق وجود انواع

انحرافات و بدعت‌ها و بی‌عدالتی‌ها را با چشم سردید و از مردم عصر خویش شناخت کافی و وافی داشت. او نه تنها کوفیان، بلکه مردم حجاز و شام و نیز دنیاگرایان را که صبح در کنار امام و عصر در پشت سر معاویه و یزید رفتند، را دید و می‌شناخت. امام شاهد خروج شبانه عبید الله عباس با هشت هزار نفر از اردوگاه امام حسن علیه السلام به پایگاه نظامی معاویه را نظاره کرد. (جعفری، ۱۳۶۴: ۱۷۷) او جنس، ماهیت و طرز اندیشه مردم زمان خویش را درک کرد و رنگ زمانه را رنگ غیراسلامی، به دنیاگرایی و یهودی‌گری یافت. او در حدیثی بس ارزنده و ماندگار زمان و زمانه خود را این‌گونه توصیف نمود:

ان الناس عبید الدنیا و الدین لعق علی السنتهم یحوظونه مادرت معایشهم فاذا
 محصو بالبلاقل الدیانون؛ (حرانی، ۲۴۵)

به راستی که مردم بنده دنیا هستند و دین لقلقه زبان آنهاست، تا جایی که دین وسیله زندگی آنهاست دین دارند و چون در معرض امتحان قرار گیرند، دین داران کم شوند.

به راستی در سال ۶۱ قمری، چه کسانی از صحابه و تابعین می‌توانستند معنای سخن امام را درک و برای روشن‌گری و رهایی مردم از ظلمات عصر به تبیین سیره و اندیشه امام بپردازند؟ قدر مسلم در آن عصر، تعداد مردمی که این حدیث را شنیده زیاد بودند، اما تعداد عالمان برای تبیین نظام امامت و تبلیغ پیام امام زیاد نبودند.

عافیت طلبی، دنیاگرایی و ترس از استبداد اموی مانع از جنبش تبیین و تبلیغ عالمان و پیروان بوده است. راهبرد امتناع امام از بیعت با فردی چون یزید، راهبردی سخت و خطرآفرین بود و مردم عصر امام با توجه به اوصاف یاد شده، هرگز خود را فدای آن نمی‌کردند. امام در این دوره، نه تنها طراح و معمار بوده، بلکه قوی‌ترین مبلغ و مبیین پیام‌ها نیز بوده است و در مواقف مختلف به صورت عمومی و خصوصی اهداف نهضت را تشریح می‌کرد. نکته درخور تأمل و تدبیر این است که امام اهداف نهضت را با اهل بیت و خویشان خود در میان گذاشت و ابتدا از آنان آغاز نمود و این روشی بود که رسول خدا در تبلیغ رسالت از او بهره گرفت.

همسومودن اهل خانه و عشیره می تواند بستر عمومی شدن نهضت را با ضریب اطمینان بیشتر مهیا سازد. امام در بُعد تبیین نهضت توانست انسان های مؤمن و قوی بنیانی را با خود همراه سازد و هریک از آنان در طول نهضت نقش برجسته ای را ایفا نمودند.

مسلم بن عقیل، قیس بن مسهر، زهیر بن قین، حبیب بن مظاهر و حضرت ابوالفضل علیه السلام با برادرانش از جمله راست قامتانی بودند که قلباً، زباناً و قدماً در خدمت امام و نهضت عاشورا بودند. در جمع یاران امام، قمر بنی هاشم نقش کم نظیر و به عبارت صحیح بی نظیری را ایفا نمود. او نه تنها ایمان و وفاداری خویش را در راه امام محکم نمود، بلکه توانست ایمان و اراده برادرانش را در وفاداری به امام استوار سازد و تا فرجام شهادت برای لحظه ای از این وفاداری عدول نکردند و این رفتار یاران است که امام حسین علیه السلام فرمود: من اصحابی با وفاترو نیکوتر از یاران خود و خانواده ای بهتر از خانواده خود نمی شناسم.

راز این جمله امام چیست؟ در جواب باید گفت: حفظ سلامت امام یکی از دلایل مهم اصحاب بوده است و آن را یک تکلیف می دانستند. نکته دیگر این که اصحاب امام علی رغم داشتن فرصت نجات خود، هرگز این راه را انتخاب نکردند و تا دم آخر در کنار امام ماندند. عامل دیگر در این باره بصیرت آنان در تشخیص تکلیف و نیز زمان ادای تکلیف بود و دلیل دیگر ادب و معرفت آنان نسبت به جایگاه ملکوتی امام بود. (قادری، ۱۳۹۰، چ پنجم: ۹۰-۲۸۸)

افزون بر این، عاشورا تجلی گاه ادب و اخلاق بود و امام که سنبل اخلاق انسانی بود و یارانش نیز در عالیترین درجات اخلاقی تا جایی که امام برادرش را با عبارت "جانم فدای تو باد" صدا می کرد. (متنظر قائم، ۱۳۸۷، چ چهارم: ۱۴۵)

در این باره مطالب ارزشمندی در گزارش های روایی هست. در روایتی آمده، وقتی که ابوالفضل علیه السلام از امام اجازه رفتن به میدان خواست، امام به سختی گریست به گونه ای که محاسنش از اشک تر شد و فرمود: "یا اخی کنت العلامه من عسکری و مجمع عددنا فاذا انت غدوت یول جمنا الی الشتات و عمارتنا تنبعث الی الخراب. برادر جان، تو نشانه و

برپایی سپاه من و محور پیوستگی نفرات ما هستی اگر تو بروی جمعیت ما پراکنده و ویران می‌شود. (بحار الانوار، ج ۴۵: ۴۱)."

و همین طور نقل است هنگامی که عباس بن علی علیه السلام شهید شد امام فرمود " الان انکسر ظهري و قلت حيلتي، اينک کمرم شکست و راه چاره بر من محدود شد. " (ابن شهر آشوب، ج ۱۴: ۱۱۷)

عشق و ارادت و رابطه مریدی و مرادی امام و عباس علیه السلام به گونه‌ای است که هریک سودای فدا شدن برای دیگری در سردارند و نقش عباس در نهضت کربلا آن قدر برجسته و تأثیرگذار است که امام حسین علیه السلام رفتن او را به معنی بهم ریختگی لشکر می‌داند و عاشورا برای عباس علیه السلام ایام بازشناسی خدا و قرآن است و نیز زمان بازشناسی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام است. (گواهی، ۱۳۰: ۱۳۸۶)

به تحقیق ثابت شده کسانی که معرفت به حیات باطنی و معرفت ملکوتی نسبت به نظام هستی یافتند توانستند راه به سوی حقیقت وجود عالم را به دست آورند و سیره انبیا و ائمه هدی به خوبی نمایانگر طریق وصول به حقیقت و قرب الهی است.

قمرینی هاشم با درک این معرفت دل در گرو امام نهاد و اکنون چون خورشید تابان در آسمان زندگی برای رهایی انسان‌ها از ظلمات می‌تابد. اگر به ابعاد ملکی و ملکوتی نهضت عاشورا توجه گردد، به وضوح مشاهده می‌شود که نقش و جایگاه ابوالفضل علیه السلام در این فضا بسیار اساسی و ماندگار است. عشق مردم به حضرت و قسم خوردن به او و باب الحوائج دانستن وی نشان از جایگاه حضرت در قیام عاشورا است و به عبارتی تفسیر روشن و اطمینان بخش از نهضت کربلا، عباس بن علی علیه السلام است و حرم امام بدون حرم عباس علیه السلام تعریف و تفسیر نمی‌گردد.

شریف القرشی درباره ویژگی‌های حضرت عباس علیه السلام می‌نویسد: ابوالفضل علیه السلام همه فضیلت‌ها و صفات پدر را به ارث برد، تا آن که نزد مسلمانان سنبل هر فضیلت و نماد هر ارزشی والا گشت. صفاتی مانند شجاعت، ایمان به خدا، خویشتن داری، صبر و قوت اراده، مهربانی و وفاداری (شریف القرشی، ۱۳۹۳، ج نهم: ۶۴ - ۵۵)

صفتی که عام و خاص درباره حضرت عباس علیه السلام بیان می‌کنند، صفت وفاداری

است. این صفت بدون پشتوانه اعتقادی و فکری ممکن نیست. وفا و وفاداری در زمره فضائل و ملکات اخلاقی است و اوج این وفاداری در ایثار جان برای بقای یک مکتب و نظام، خود نمایی می‌کند. هریک از شهدای راه اسلام و انقلاب اسلامی به تأسی از این صفت و مصداقی چون عباس علیه السلام برای حیات اسلام ایثار جان نمودند. آنچه که از وفاداری حضرت عباس علیه السلام در عاشورا قابل درک است وفاداری در تمامی ابعاد آن است. وفاداری حضرت در محورهای زیر معنا یافته و تاریخ وفاداری را در سیر تمدن بشر روایت ویژه و ممتاز نموده است.

• وفاداری به دین • وفاداری به امت • وفاداری به وطن • وفاداری به برادر و امام
در سیره حضرت عباس علیه السلام موارد یاد شده به وضوح دیده و تفسیر می‌گردد. معمولاً انسان‌ها در لحظه خطر در پی وسیله یا فرصت نجات خود از معرکه می‌گردند. اما عباس علیه السلام با تمام وجود و عشق شورانگیز پای در معرکه می‌گذارد. برای او حفظ و استمرار اسلام بر پایه سیره نبوی و علوی الویت اول بوده است.

برای او اقامه نماز و اجرای حدود الهی به سبک رسول الله و ائمه هدی مبنا و اساس بوده است. برای او تحقق اهداف نهضت کربلا و رهایی مردم از ظلمات و ستم و استبداد امویان و نابودی انحرافات و ابداعات دینی مهم بوده است. برای او زندگی در پرتو تجلی نور امامت به امامت حسین بن علی علیه السلام برای رستگاری جامعه و وارد نمودن مردم به صراط مستقیم هویت بخش بود. برای او رساندن آب به مردم و برعهده گرفتن سقایت امت اهمیت ویژه داشته است. برای او پالودن جامعه از مظاهر و شرک و دوئیت و تظاهر و ریا، مکر و حيله، مردم فریبی و دنیا گرایی در ظل استقرار نظام امامت یک تکلیف الهی بوده است. برای او انجام دقیق تکلیف الهی و نشان دادن وفاداری به نظام امامت و امام عصر حسین بن علی علیه السلام یک شاخص ماندگار بوده است. برای او با بستن آب به روی انسان و محروم نمودن انسانها از نعمت‌های خدادادی و حفظ حیات طیبه آنها، به عنوان عزیزترین و شریفترین کار در قیام بوده است و او به امر امام برای رساندن آب به کودکان و زنان و مردان حاضر در قیام شربت شهادت نوشید. آب

را دید بر کف گرفت ولی هرگز قبل از رساندن آن به خیمه ننوشتید. او در هنگام نبرد با دشمن و در حین مبارزه با زید بن ورقا در حالی که مشک آب برگردنش بود این رجز را خواند:

والله ان قطعتموا یمینی انی احامی ابداء عن دینی

و عن امام صادق یقینی نجل النبی الطاهر الامینی

به خدا سوگند اگر دست راستم را قطع کردید، من همیشه حامی دین خود هستم و از امامی که دارای یقین است و درست بود و نوۀ پیامبر پاک و امین است، حمایت می‌کنم. این کلمه که فرمود "احامی ابداء عن دینی" یعنی همیشه حامی دین خود هستم، این وظیفه هر متدینی است که دائماً طرفدار دین باشد و از جان و مال و دست و قدم خود در راه دین مضائقه نکند. (کلباسی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۸۸ - ۱۸۷)

در منابع تاریخی درباره مشق وفادرای و عرصه جان‌نثاری او گزارشهایی وجود دارد. دینوری می‌گوید: آنگاه که همه یاران امام و شماری از بنی‌هاشم به شهادت رسیدند حضرت ابوالفضل علیه السلام به برادران خود عثمان و عبدالله و جعفر فرمود جانم فدایتان پیش تازید و از سرورتان حمایت کنید تا این که در برابرش به کام مرگ فروروید، آنان همگی به میدان نبرد رفتند و کشته شدند. (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۷) گزارش دینوری در الکامل فی التاریخ آمده و این نشان می‌دهد که عباس علیه السلام در راهی که انتخاب کرده بود، چقدر استوار و مؤمن است. (ابن اثیر، ۱۳۷۶، ج پنجم، چ دوم: ۲۲۵۳)

انسان وفادار به دین و امام در لحظه نیاز نه تنها به خود، بلکه به افراد دیگری که وفادار به نهضت و مکتب‌اند را یادآوری می‌کند و درس می‌دهد. عباس علیه السلام که تجسم وفادرای به مکتب امام است تا فرجام شهادت پیش می‌رود و به فرمان امام عصر علیه السلام و رهبر نهضت برای نجات اسلام رهسپار کربلا می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ج پنجم: ۱۴۷)

مورخان درباره نحوه شهادت عباس علیه السلام می‌گویند او به میدان شتافت در حالی که این رجز را می‌خواند ((سوگند راستین به خدای بزرگ و ارجمند و به حجج و زمزم و به حطیم و آستانۀ آنکه مورد احترام است، هر آینه تن را به خون خود رنگی می‌سازم

در راه دفاع از حسین که پیوسته با افتخار بوده و پیشوا فضل و کرم (ابن اعثم کوفی، ۱۳۹۲، ج ۵: ۲۰۷)

حضرت عباس علیه السلام در گفتار اهل بیت

شهادت عباس بن علی در کنار امام حسین علیه السلام واقعیتی است که امیرمؤمنان در هنگامی که دستان عباس علیه السلام را بوسه می زد، با چشم دل و بینش غیبی می دید. «روایت است که در دوران طفولیت حضرت عباس علیه السلام یک روز علی بن ابی طالب وی را در دامان خود گذاشت و آستین هایش را بالا زد و درحالی که به شدت اشک می ریخت، به بوسیدن بازوهای عباس علیه السلام پرداخت. ام البنین حیرت زده از این صحنه از امام پرسید چرا گریه می کنید؟ حضرت با صدای آرام پاسخ داد به این دو دست نگرستم و آنچه را که بر سرشان خواهد آمد به یاد آوردم. ام البنین هراسان پرسید چه بر سر آنها خواهد آمد؟ امام با تأثر گفت آنها از بازو قطع خواهد شد. چرا دست های او قطع می شود؟ امام به او خیر داد که دستان فرزندش در راه یاری اسلام و دفاع از برادرش قطع خواهد شد.» (ربانی خلخالی، ۱۳۸۶، چ ۷: ۱۴۰)

افزون بر روایت مذکور بعضی روایت هایی هم وجود دارد که دلالت بر پیشگویی حضرت علی علیه السلام نسبت به آینده عباس علیه السلام دارد. البته پذیرش قطعی این گونه روایات نیاز به بررسی عمیق اسناد و صحت محتوای آن دارد. قضاوت درباره شخصیت های دینی و ملی و تاریخی بدون حصول اطمینان از داده ها روشی است غیر علمی و گاه موجب تشویش اذهان عمومی نسبت به بزرگان می گردد. شبستری به استناد سخن عبدالحسین حلی می گوید:

امیرالمؤمنین حضرت عباس علیه السلام را فرا خواند و به سینه چسباند و چشمانش را بوسید و از او عهد گرفت که چون در کربلا بر آب دست یافت تا برادرش تشنه است، قطره ای از آن ننوشد و این که ارباب مقاتل گویند حضرت عباس علیه السلام در شریعه فرات آب از دست بریخت به سبب اطاعت از سفارش پدرش علی مرتضی بوده است. (شگاهی، ۱۳۸۹: ۶۴)

مقام و منزلت عباس علیه السلام نزد خاندان عصمت و طهارت بالا و والاست و قبل از این که

عباس علیه السلام حماسه بلند تاریخی و انسانی خود را در کربلا به منصفه ظهور رساند درباره او و آینده‌ای که رقم خواهد خورد سخن گفته‌اند. نقل است که رسول الله از دخترش حضرت زهرا علیها السلام پرسید برای شفاعت امت من چه آورده‌ای؟ گفت دو دست ابوالفضل علیه السلام. (کلباسی، ۱۳۸۴: ۲۰۹)

این نکته نشانگر عظمت روحی و معنوی ابوالفضل نزد بانوی دو عالم حضرت زهرا علیها السلام است که در مقام شفاعت دهی قرار دارد. اکنون کتب متعددی در باب کرامت حضرت ابوالفضل بر اساس دریافت گزارشهایی از افرادی که توفیق دریافت کرامت شدند، تدوین شده است و لقب باب الحوائج قمر بنی هاشم به دلیل همین شفاعت بخشی و کراماتی است که حضرت دارد. (سید بن طاووس، ۱۳۸۹، ج ۱۲: ۷۰-۳۵۵)

آنچه درخور تامل است واقعه‌ای است که برای عباس علیه السلام در قیام کربلا رخ دارد و آنچه رخ داده با پیشگویی حضرت علی علیه السلام تطابق دارد. رزم حماسه ساز عباس علیه السلام و نوع ایثارگری بی نظیر او توانست واقعه کربلا را در نزد اهل بیت و تنی چند از ائمه اطهار بسیار ارزشمند و ماندگار جلوه دهد و درباره شخصیت و خدمات عباس علیه السلام سخنانی مهم و تأثیرگذاری را بیان نمایند.

امام سجاد علیه السلام درباره حضرت عباس علیه السلام می‌فرماید:

رحم الله عمی العباس فلقد اثروا بلی و فدی اياه بنفسه حتی قطعت یداه فابدله الله عزوجل منهما جناحین یطیر بهما مع الملائکه فی الجنه کما جبل لجعفر بن ابی طالب و ان العباس عند الله تبارک و تعالی منزله یغبطه بها جمیع الشهداء یوم القیامه؛ (صدوق، ۱۴۱۶ ق، ج اول: ۳۵)

خدا عمویم عباس را رحمت کند، که ایثار کرد و خود را به سختی افکند و در راه برادرش جان بازی کرد، تا آن که دست‌هایش از پیکر جدا گردید، آن گاه خداوند به جای آنها دو بال به وی عنایت فرمود که در بهشت همراه فرشتگان پرواز کند. همان سان که برای جعفر طیار قرار داد. عباس نزد خداوند مقامی دارد که همه شهدا در قیامت بدان غبطه می‌خورند.

در گزارش‌های تاریخی است که امام سجاد علیه السلام وقتی عبید الله فرزند قمر بنی هاشم را در مدینه دید روایت مذکور را بیان کرد. بعضی از محققان این روایت را در قالب

" حدیث غبطه " تبیین و تشریح کرده‌اند. نوع جانبازی و ایثارگری عباس علیه السلام موجب شده که امام بدین گونه او را توصیف نماید و با دو بال بسان ملائک در آسمان بهشت به پرواز درآید. از منظر امام، مقام عباس علیه السلام نزد خداوند چیست؟ که تمامی شهدا به آن غبطه می‌خورند. افسوس که ما توان درک این روایت را نداریم، اما آنچه که درخور تأثیرپذیری و درس‌آموزی است، استمرار حرکت عباس درباره تحقق نظام امامت و استقرار حکومت صالحان به رهبری امام صالح در زمین است و قدر مسلم تحقق این نظام بدون هزینه و بدون ایثارگری از جنس ایثارگری و وفاداری عباس علیه السلام به امامت و ولایت ممکن نیست.

ویژگی‌های حضرت عباس علیه السلام در کلام امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام درباره حضرت عباس علیه السلام می‌فرماید:

كان عمنّا العباس نافذ البصيره، صلب الايمان جاهد مع ابي عبدالله و ابلي بلا حسنا و

مضى شهيدا؛ (ابن عنبه، ۱۳۸۰، ج دوم: ۱۳۵۶)

عموی ما عباس دیده‌ای تیزبین و ایمانی استوار داشت و همراه حسین علیه السلام جهاد

کرد و از امتحان سرفراز بیرون شد و سرانجام به شهادت رسید.

سخن کوتاه و پرمغز امام درباره ابوالفضل علیه السلام نشان از مقام رفیع و یا حکایت از اهمیت عمل عباس علیه السلام در کربلا دارد. مفاهیمی که امام در این روایت استفاده نمود مفاهیمی است که هر انسان مؤمن برای تحقق نظام امامت و نیز حاکمیت و عینیت یافتن ارزش‌های اسلامی در زندگی فردی و اجتماعی به آن نیاز دارد. مفاهیمی است که هر انسان عاقل برای عبور از پیچ و خم‌های زندگی و زدودن غبار انحراف و شبهه از ذهن و قلب و زبان خویش به آن محتاج است.

خداوند می‌فرماید:

پس آیا کسانی که تو را تکذیب می‌کنند در زمین گردش نکرده و با دیده عبرت به این ویرانه

نگریسته‌اند تا برایشان دل‌هایی پدید آید که با آنها در فرجام کفر و شرک بیندیشند، یا

گوش‌هایی که با آنها حقایق را بشنوند و ایمان بیاورند به یقین دیده‌ها نابینا نیست ولی

دل‌هایی که در سینه‌هاست کور است. (حج / ۴۶)

به استناد آیه فوق عباس بن علی علیه السلام در دوره زندگی تقابل ایمان و کفر، مؤمن و منافق و راستی و کجی را تجربه کرده و با تمسک به ولایت امام معصوم و سوار شدن بر کشتی نجات توانست خود را به ساحل نجات برساند. بینایی و دانایی وی ناشی از تعلیماتش در مکتب علوی است و بی دلیل نیست.

امام صادق او را «نافذ البصیره» می نامد. امیر مؤمنان درباره فرد بصیر می گوید:

هرکس باید از خویشتن بهره گیرد، زیرا بصیر و بینا آن است که بشنود و ببیند، نگاه کند و ببیند و عبرت گیرد و از آنچه موجب عبرت است نفع برد، سپس در جاده روشنایی گام نهد و از راه هایی به سقوط و گمراهی و شبهات اغوا کننده منتهی می شود دوری جوید. (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳: ۳۲۵)

حضرت عباس علیه السلام در دوره زندگی به خوبی دید، شنید و آموخت که چگونه جریان انحرافی را از حقیقت نظام امامت باز شناسد. او بخوبی دریافت که بقای اسلام و استواری سیره نبوی و علوی در سپردن امور به دست امام معصوم است. مفهوم دیگری که امام صادق علیه السلام درباره حضرت بیان کرد "صلب الایمان" است. بی تردید ایمان استوار او موجب گردید که امواج انحراف و فتنه و شبهه مسلط بر جامعه نتواند او را از مسیر امام دور سازد و امام صادق علیه السلام با شناخت از مکتب کربلا و رفتار عباس علیه السلام این مفهوم را برای او بیان داشت. ایمانی که برآمده از شناخت عمیق او نسبت به قرآن و سیره نبوی و علوی است. در شرح کلام امام صادق علیه السلام تنها به آن بعد ایمان که در جهاد و پیکار با دشمنان تأثیرگذار است پرداخته شود و ایمان ابوالفضل علیه السلام از آن جهت که پشتوانه او در صحنه سهمگین کربلا و دلگرمی او در پذیرش بلاهای سنگین بود بررسی می شود. (خرمیان، ۱۳۸۶: ۳۴-۱۳۳)

در باب ایمان و مراتب و درجات آن در قرآن و سنت به تفصیل گفته شده است، اما درباره تشریح اهمیت سخن امام صادق علیه السلام درباره ایمان استوار عباس علیه السلام چند آیه و حدیث نقل می گردد. خداوند متعال می فرماید:

و بدانید که رسول خدا در میان شماست و شما باید این نعمت را پاس بدارید، اگر او در بسیاری از امور از آرای شما پیروی کند دچار زحمت می شوید و به

هلاکت می‌افتید و خدا نخواسته است که چنین شود بلکه ایمان را برای شما دوست داشتنی قرار داد و آن را در دل‌های شما بیاراست و کفر و فسق و گناه را در نظرتان ناخوشایند ساخت تا رشد یابید و آنان که ایمان را دوست دارند و از کفر بیزارند رشد یافتگانند. (حجرات / ۷)

باید گفت که اوج حماسه ایثار عباس علیه السلام در کنار حماسه حسینی و شهیدان کربلا ریشه در رشد یافتگی او دارد که این گونه در کربلا خودنمایی می‌کند و بین امان نامه دشمن و ایمان به خدا و اعتقاد به نظام امامت با ضرس قاطع امان نامه دشمن را رد نموده و اشتیاق درونی خود را برای رسیدن به وصال یار به یکایک برادرانش نیز منتقل می‌سازد و حقیقت ایمان را در کربلا به کمال می‌رساند و بی‌وجه نیست که امام سجاد علیه السلام می‌گوید: **جميع شهدا به عباس علیه السلام غبطه می‌خورند.**
امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

حقیقت ایمان به کمال نمی‌رساند مگر اینکه سه خصلت در او باشد. فقه در دین، نیکویی تدبیر در امور زندگی و شکیبایی در مصیبت‌ها. (مجلسی، ج ۷۸: ۲۳۹)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حدیثی می‌فرماید:

سه چیز هست که در هر کسی باشد ایمانش کامل می‌شود، مردی که در راه خدا از هیچ ملامتی نمی‌هراسد، کسی که در هیچ کاری ریا نمی‌کند و هرگاه دو کار برایش پیش آید که یکی دنیایی و دیگری اخروی است، مؤمن کار آخرت را بر کار دنیا ترجیح می‌دهد. (ری شهری، ۱۳۹۱، ج اول، ۱۳۷)

مفهوم دیگری که امام صادق علیه السلام درباره حضرت عباس علیه السلام گفت "موفقیت در امتحان" است. گاه مشاهده می‌شود که انسان در سردو راهی قرار می‌گیرد و منافع زود گذر و ناپایدار را بر منافع با دوام و ماندگار ترجیح می‌دهد. به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کسی که کار دنیایی را بر کار اخروی ترجیح دهد، ممکن است در لحظات سخت دینداری از صحنه خارج گردد؛ اما عباس بن علی علیه السلام از این امتحان سربلند بیرون آمد و به فوز عظیم شهادت نایل گشت. راست قامتان تاریخ در پرتو ایمان استوار و قلبی ملامال از عشق به

خداوند و شدت علاقه به نظام امامت در مصاف نرم و سخت با دشمن حماسه آفرین بودند و نام نیک از خود بر صفحه تاریخ ثبت نمودند. ملک ری، پست و مقام و ثروت بسیاری از افراد را از مکتب امام و سیره نبوی و علوی دور ساخت و امروز نیز بسیاری از افراد با افتادن در ورطه غفلت و بی‌ایمانی از مسیر انقلاب و ولایت خارج و امان نامه دشمن را پذیرفتند و چه زیبا و پرمعنا آقا امام حسین علیه السلام فرمود:

مردم بنده دنیا شدند و دین را تا آنجا می‌خواهند که برای حیاتشان منفعتی داشته باشد و هنگام سختی و نیاز، دین داران کم می‌شوند.

سه مفهوم پرمغزی که در کلام امام صادق علیه السلام درباره ابوالفضل علیه السلام بیان گردید، خالق مفهوم چهارم یعنی شهادت در راه دین و حقیقت نهضت امام حسین علیه السلام است و این چهار مفهوم در حماسه عباس علیه السلام به نحو احسن عملیاتی گردید. محوریت عباس علیه السلام در شب عاشورا نشان از بصیرت نافذه حضرت است و بنی‌هاشم در این شب در خیمه عباس علیه السلام برای مقابله با دشمن گرد هم می‌آیند. (فخار، ۱۳۸۹: ۵۰ - ۴۹)

حائری در معالی السبطين در روایتی می‌گوید عباس علیه السلام در جمع بنی‌هاشم در شب عاشورا به ایراد خطبه پرداخت و بانو حضرت زینب آن را شنید و روایت نموده است. در این خطبه حضرت ابوالفضل علیه السلام در پیشگام شدن بنی‌هاشم و برادرانش نسبت به سایر افراد در دفاع از امام و مبارزه با دشمن تاکید نموده است. (مهدی زاده، ۱۳۹۱: ۱۲۳) و مهم تر از این شیخ مفید می‌گوید چون عباس بن علی علیه السلام بسیاری کشتگان خاندان آن حضرت را دید به برادران مادری خود که عبدالله، جعفر و عثمان بودند گفت:

ای برادران من، گام پیش نهید تا من ببینم شما را که برای خدا و رسولش خیر خواهی کردید؛ زیرا شما فرزندان من ندرید. (مفید، بی تا، ج دوم: ۱۱۳)

در صفحات قبل توضیح داده شد که از صفات برگزیده ابوالفضل علیه السلام وفای به عهد است و امام صادق علیه السلام درباره وفای ابوالفضل علیه السلام می‌فرماید:

گواهم برای توبه تسلیم و تصدیق و وفا و نصیحت و خیرخواهی برای جانشین پیغمبر فرستاده از طرف خداوند ... خدا تورا پاداش دهد از رسول خدا و از امیر

المؤمنین و از حسن و حسین رحمت خدا برایشان باد بهترین جزا و شکیبایی و خیر خواهی و اعانت کردی. (ابطحی، ۱۳۷۵: ۳۷۷)

ذکر مفاهیمی مانند تسلیم و تصدیق و وفا در کلام امام برای ابوالفضل علیه السلام نشان می دهد سیره عباس علیه السلام نزد امام در مقام یک انسان سالک و عارف تجلی یافته و وی را با این مفاهیم توصیف نموده و از او سپاسگزاری می نماید. وفای به عهد در حضرت عباس علیه السلام به حدی است که امام باقر علیه السلام در حدیثی می فرماید:

ان اصحاب الحسین لم یجدوا لم مس الحدید؛ (مجلسی، ج ۴۴: ۲۹۸)
همانا اصحاب جدم حسین علیه السلام درد آهن را احساس نکردند.

این حدیث شریف نشان می دهد چقدر راست قامتان قیام کربلا نسبت سید الشهداء پایداری نشان دادند و چگونه زخم ها و ضربات خونین را تحمل و مشتاق وصال به محبوب بودند.

حضرت عباس علیه السلام در گفتار امام مهدی علیه السلام

حضرت مهدی علیه السلام در زیارت ناحیه خطاب به عمویش عباس علیه السلام گفت:

السلام علی ابوالفضل العباس بن امیر المؤمنین الموصی اخاه بنفسه الاخیه لغده من امنه الفادی له الوافی، الساعی الیه بمائه، المقطوعه یداه؛ (مجلسی، ج ۴۵: ۶۶)
سلام بر ابوالفضل العباس فرزند امیر المؤمنین که جانش را در راه مواسات به برادرش تقدیم نمود و دنیایش را برای تحصیل آخرتش ثبت کرد و سعی در رساندن مشک آب به او داشت که دو دستش از بدن جدا شد.

مضامین این بخش از زیارت نشانگر مقام و منزلت عباس علیه السلام نزد حضرت مهدی علیه السلام است. نکته مهم در این فراز مفهوم "مواسات" است که درباره حضرت ابوالفضل علیه السلام بیان شده است. مواسات او در کربلا به حدی است که در کلام امام معصوم ظهور می یابد. گویند در شب و روز عاشورا آن مقدار مواسات و ایثار از آن فرزند حیدر کرار به منصفه ظهور آمد که محتاج به امر دیگری نیست، چه هر چه باشد دون آن است. "کل الصید فی جوف الفرا" چه مقدم در حفظ مقاصد، حفظ دین و بعد از آن حفظ نفس نبی

یا امام است و ابوالفضل علیه السلام جان شریف خود را در راه حفظ دین و حفظ امام مبین بلکه اهل بیت طاهره و اطفال تشنه نثار نمود، بدون آن که در نظرش چیزی به نمود آید. (بیرجندی، ۱۳۸۶، ج سوم: ۸۱۳-۶۹۹)

مسئولیت پذیری عباس علیه السلام در برابر خدا - پیامبر خدا و امام معصوم در دوره زندگی به شایستگی به منصفه ظهور رسیده و پذیرفتن بیشترین خطرات برای رساندن آب به تشنگان کربلا دلالت بر این وظیفه دینی و اجتماعی او دارد و نشان از اطاعت مخلصانه او از امام زمانش است. چنانکه در زیارتنامه او می‌گوییم که عباس عبد صالح خدا بود. المطیع الله و لرسول و لامیر المؤمنین (نیشابور ۱۲۹۱ ج پنجم: ۱۳۱). امام در شب عاشورا به دلیل اعتماد به لیاقت و توانمندی عباس، بزرگ‌ترین مسئولیت را بردوش برادرش نهاد و آن پرچم داری کل سپاه بود. (ناظم زاده قمی، ۱۳۹۰، ج سوم: ۱۶۶)

افزون بر این فداکاری و ایثار جان برای بقای یک اندیشه و یا یک ملت سخاوتی است که از سید الشهداء و یارانش و فردی چون ابوالفضل علیه السلام از خود به یادگار گذاشته است. چه سخاوتی بالاتر از این که فردی از زن و فرزند و زندگی چشم ببوشد و آن قدر مجاهدت و مبارزه نماید تا شربت شهادت نوشد. (ربانی خلخالی، ۱۳۸۰، ج دوم: ۹۶)

نکته دیگری که در این فراز از زیارت آمده موضوع "عطش و آب رسانی" است و حضرت در مسیر آب رسانی به درجه رفیع شهادت نائل گردید. در تاریخ آمده که از روز هفتم محرم تا روز عاشورا به مدت چهار روز امام و یاران و اهل بیت و کودکان از آب محروم بودند. بنابراین در آن چهار روز ابوالفضل علیه السلام چهار مرتبه برای آوردن آب به شریعه فرات رفت و برای کاروان آب می‌آورد. (رجبیان، ۱۳۹۳، ج دوم: ۲۷-۳۲۳) بنابراین بعد از شهادتش او را به سقا و اباقریه «صاحب مشک» ملقب نمودند. (تحقیقی بخشایشی، ۱۳۷۹: ۶۹)

چه سوزناک است این صحنه کربلا که چون امام فریاد عباس علیه السلام را شنید گفت: وای برادرم، وای عباسم، وای جان دلم، آن گاه همانند عقابی که به شکار خویش فرود آید بر سر او رسید. دشمنان را از راست و چپ پراکنده ساخت و پس از آن که

هفتاد مرد از آنان را کشت به بالین برادر رسید (موسوعه کلمات الحسین ۱۴۱۵، ج دوم: ۴۷۳)

روضه عطش در نهضت عاشورا و میزان تأثیرگذاری آن در تحولات روحی روانی جامعه بسیار در خور اهمیت است و دریافت آب جز حقوق اولیه و طبیعی انسان است و کسی و یا حکومتی نمی‌تواند آن را از افراد یا جامعه سلب نماید، اما دشمن در عاشورا این حق را از امام و یارانش، زنان و کودکان سلب نمود. سوگنامه عطش شور و حال ویژه‌ای دارد و رفتار ابوالفضل علیه السلام در نحوه آب رسانی و مشاهده آب و تلاش او برای رساندن آب به خیمه تمامیت زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده است، چه بسا بسیاری از انسانها در دنیای امروز برای رسیدن به آب، براحتی کشته می‌شوند و بی‌جهت نیست که عباس علیه السلام در هنگام مبارزه و انجام این ماموریت حیاتی رجزهای شورانگیز و معرفت‌زایی خواند.

من شاخه متصل به درخت نبوتم و هرکه به این درخت متصل است تسلیم نمی‌شناسد و از شمشیر و نیزه نمی‌هراسد، من فرزند علی بن ابی طالبم و هرکه از علی است اهل هراس و ذلت نیست، من فرزند آن کسی هستم که لحظه‌ای به خدا شرک نوزید، لحظه‌ای از جنگ و میدان و دشمن نهراسید و لحظه‌ای از فرمان رسول الله سر نیچید. (شجاعی، ۱۳۹۰، چ پنجم: ۶۴)

و این‌گونه عباس علیه السلام در حین نبرد سخت خود را معرفی می‌کند و با تقدیم دو دست دو بال می‌گیرد و در آسمان بهشت، همراه با ملائک به پرواز در می‌آید و تا مقام شفاعت بخشی اوج می‌گیرد. او زنده‌ای است که زندگان در هر عرصه‌ای، به نام او فعالیت را آغاز می‌کنند. ابوالفضل علیه السلام مظهر وفا و شجاعت و زندگی بدون حسین علیه السلام و به عبارتی پس از شهادت حسین علیه السلام برای او ارزشی نداشت. (محدثی، ۱۳۷۸: ۶۹) او با برادرش امام حسن علیه السلام ۲۴ سال و با امام حسین علیه السلام ۳۴ سال زندگی کرد و در هنگام شهادت ۳۴ ساله بود. (سماوی، ۱۳۹۰: ۴۵ - ۴۴)

در فرهنگ و معارف مسلمانان به ویژه شیعیان زیارات مزارات شریف و توسل به انبیا و اولیا و ائمه هدی به عنوان یک آیین آرامش بخش و تعالی‌دهنده از جایگاه والایی در

سبک زندگی برخوردار است. در کنار مزارات ائمه هدی مزار نورانی حضرت عباس علیه السلام در کربلا از منزلت پرراز و رمزی برخوردار است و روزانه هزاران نفر از نزدیک و میلیون‌ها نفر از دور به او توسل می‌جویند. امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

هر امامی برگردن دوستان و شیعیان خود عهدی دارد که وفای کامل این عهد و بجا آوردن نیکوی آن با زیارت قبر آنان است، پس کسانی که با رغبت و علاقه به زیارت ایشان و باور داشتن به آنچه آنان ترغیب کرده‌اند، زیارتشان کنند، امامان آنها در روز قیامت شفیعانشان خواهند بود. (محمدری شهری، ۱۳۹۳: ۳۰۷)

در پایان این مقال ذکر این نکته ضروری است که ام البنین مادر عباس علیه السلام در واقعه کربلا حضور نداشت. اما هنگامی که کاوران سفر کربلا وارد مدینه می‌شد کسی خواست خبر شهادت فرزندانش را به او بدهد و او گفت از حسین برایم بگویید، چون شنید که چهار فرزندش همراه امام حسین علیه السلام کشته شدند گفت: ای کاش فرزندانم و تمام آنچه در زمین است، فدای حسین علیه السلام می‌شد و او زنده می‌ماند و این سخن او را دلیل اخلاص کامل وی به اهل بیت و امام حسین علیه السلام دانسته‌اند. (کحاله، ۱۳۹۷ق: ۹۷-۴۹۶)

و در آخر می‌توان گفت زیارت حضرت عباس علیه السلام مقدمه‌ای است معرفت‌زا برای زیارت آقا امام حسین علیه السلام چنانکه امام رضا علیه السلام می‌گوید زیارت قبر حسین علیه السلام برابر با عمره‌ای نیکو پذیرفته شده است. (محمدری شهری، ۱۳۹۳: ۲۹۹)

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شده است ضمن توصیف مختصر از نهضت عاشورا و تحلیلی از تقابل اسلام علوی با اسلام اموی و تاکید بر تبیین نظام امامت به عنوان تنها راه فلاح و رسیدن انسان به حقیقت وجود عالم به نقش حضرت عباس علیه السلام در عصر سه امام به ویژه در نهضت کربلا اشاره گردد. در این نوشتار سعی گردید مقام و منزلت ابوالفضل علیه السلام در روایات ائمه اطهار مورد بررسی قرار گیرد. مطالعه صورت گرفته نشان می‌دهد که تنی چند از ائمه درباره عباس علیه السلام مطالبی را بیان داشتند. البته با قاطعیت نمی‌توان گفت که

امامان حسن، باقر، کاظم، رضا، جواد و هادی و امام عسکری علیه السلام سخنی درباره عباس علیه السلام نگفته باشند. شاید نویسنده این مقاله نتوانست به منابع دست یابد، اما گفته‌های حضرت زهرا علیها السلام، امام علی علیه السلام، امام حسین علیه السلام، امام سجاد علیه السلام، امام صادق علیه السلام و امام مهدی علیه السلام در زیارت ناحیه در خصوص حضرت ابوالفضل علیه السلام بسیار ارزنده و تأثیرگذار بوده که بنیاد این مقاله برگرفته‌های آنها چینش شده است.

پژوهش صورت گرفته در این گفته‌ها حاکی است که حضرت عباس علیه السلام از ویژگی‌های زیرخوردار است و همین ویژگی‌ها او را محبوب دل ائمه و پیروان آنان نموده است و اکنون جایگاهی بس عظیم در ذهن و اندیشه عاشقان این راست قامتان تاریخ و باب الحوائج دارد.

بصیرت عمیق و بلند نظری، ایمان استوار، شجاعت و توان رزمندگی، وفاداری و وفای به عهد، ایثارگری و برخوداری از روحیه انقلابی و ایثارگری، مجاهدت خالصانه و زیست عارفانه، اخلاص در نیت و عمل. شفاعت دهی، شهادت طلبی و ترویج فرهنگ ایثار و مقاومت، دانش اندوزی و معرفت افزایی، عبد صالح، سقای امام و امت، سردار سرافراز، مسئولیت پذیری.

منابع

- قرآن
- نهج البلاغه. (۱۳۸۷). ترجمه ناصر مکارم شیرازی. چاپ چهارم. قم: مدرسه الامام علی ابن ابی طالب
- ابطحی موسوی اصفهانی. میرسید علی موحد. قم: ناشر. ج اول. مؤلف.
- ابن اثیر. عزالدین. (۱۳۷۶). تاریخ کامل ایران. ترجمه سید محمد حسین روحانی. چاپ دوم. تهران: انتشارات اساطیر.
- ابن اعثم کوفی. (۱۳۹۳). الفتوح. مصحح اشرف محمد عبدالمعید خان. بیروت: داراندوه الجدیده.
- ابن حسام. علاءالدین علی. کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال.
- ابن شعبه. (۱۳۶۳ ش). تحف العقول. تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری. چاپ دوم. قم: موسسه نشر اسلامی.
- ابن شهر آشوب. محمد بن علی. (بی تا). المناقب من آل ابی طالب. مصحح محمد حسین آشتیانی و هاشم رسولی. قم: علامه.
- اصفهانی. ابوالفرج. (۱۳۸۹). مقاتل الطالبین، ترجمه بهراد جعفری. قم: انتشارات جعفری.
- امینی. سید محسن. (۱۴۰۳ ق). اعیان الشیعه تحقیق حسن امینی. بیروت: دارالتعارف.
- بدرالدین. حسین. (۱۳۸۱). قمر بنی هاشم. ظهور عشق اعلی. تهران: مهتاب.
- بیرجندی. محمد باقر. (۱۲۸۶). کبریت احمر. صبح پیروزی. چاپ سوم. قم:
- پیشوایی. مهدی. (۱۳۷۸). سیره پیشوایان. چاپ نهم. قم: موسسه تحقیقات و تعلیمات امام صادق.
- تحقیقی. عبدالرحیم. (۱۳۷۹). بخشایشی شه مقتل گویا در حماسه عاشورا. قم: نشر نوید اسلام.

- جعفری . سید حسین محمد. (۱۳۶۴). تشیع در مسیر تاریخ. ترجمه سید محمد تقی آیت اللهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفریان . رسول. (۱۳۷۴). تاریخ خلفا. ج دوم. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جواد آملی . عبدالله. (۱۳۸۶). شکوفایی و عقل در پرتو نهضت حسینی. چاپ پنجم. قم: نشر اسراء.
- حائری . محمد مهدی. (۱۳۷۶). معالی السبطين. قم: انتشارات شریف رضی.
- حسین اصفهانی . عمادالدین (عماد زاده) (۱۳۴۱). چاپ چهارم. تهران: کتابفروشی اسلامیة .
- حسینی نیشابوری . سید علی اکبر. (۱۳۹۱). سلسله سخنرانی های استاد رفیعی، چاپ پنجم. قم: بوستان کتاب ج ۵ .
- خرمیان . جواد. (۱۳۸۶). پژوهشی در سیره و سیمای عباس بن علی . قم: راه سبز.
- ربانی خلخالی . علی. (۱۳۸۶). چهره درخشان قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس . چاپ هفتم. قم: مکتب الحسین.
- رجبیان . قاسم. (۱۳۹۳). ابوالفضل العباس . چاپ دوم. قم: ج اول . عصررهای.
- رضایی چناری . سید عزیز. (۱۳۸۸). بر ابوالفضل چه گذشت. چاپ سوم. قم: انتشارات آخرین وحی.
- ری شهری . محمد مهدی. (۱۳۹۳). حکمت نامه رضوی . ترجمه حمید رضایی. قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- زکی زاده زنانی . علیرضا. (۱۳۹۳). ۳۴۰ پرسش در محضرامام . قم: عصر ظهور.
- سماوی . محمد. (۱۳۹۰). انصار الحسین . ترجمه مهدی فصاحت . قم: پیام آزادگان .
- شبگاهی شبستری . عباس. (۱۳۸۹). عباس سپهسالار کربلا . تهران: جمهوری .
- شجاعی . مهدی . (۱۳۹۰). سقای آب و ادب، چاپ پنجم . تهران: نیستان .
- عامری دنیوری . عبدالمنعم. (۱۳۹۲). الاخبار الطوال . تحقیق وزاره الثقافه و الارشاد القدس . چاپ اول . قاهره .

- علامه مجلسی بحارالانوار ج ۴۵-۴۷
- فخار. باقر. (۱۳۸۹). سقای معرفت. دلیل ما قم
- قادری. محمد تقی. (۱۳۹۰). برکدام مصیبت باید گریست. چاپ پنجم. قم: انتشارات نصابیح.
- قائم. اصغر منتظر. (۱۳۸۷). تاریخ امامت. چاپ چهارم. قم: نشر معارف.
- قرشی. باقر شریف. زندگانی حضرت ابوالفضل العباس. چاپ نهم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کحاله. عمر رضا. (۱۳۹۷ ق). اعلام النساء المؤمنات. بیروت: موسسه الرساله.
- کلباسی. محمد ابراهیم. (۱۳۸۴). خصائص العباسیه. ترجمه محمد اسکندری. تهران: صیام
- کلباسی. محمد ابراهیم. (۱۳۸۹). خصائص العباسیه. چاپ ششم. تهران: صیام.
- گواهی. عبدالرحیم. (۱۳۸۶). سلطان عشق. تهران: نشر علم.
- ماجراجو. محسن. (۱۳۹۰). ماه بنی هاشم حضرت عباس. چاپ دوم. قم: اصباح
- محدثی. جواد. (۱۳۷۸). فرهنگ عاشورا. چاپ چهارم. قم: نشر معارف.
- محمد زاده. مرضیه. (۱۳۹۱). شهیدان جاوید. تهران: بصیرت.
- مظفری. معارف حسن. زندگی پرچمدار کربلا حضرت ابوالفضل. مشهد: کتابفروشی جعفری
- مفید. محمد بن محمد بن نعمان. (بی تا). الارشاد فی معرفه حج الله علی العباد. ترجمه هاشم رسولی محلاتی. تهران: ج دوم. علمیه اسلامیة.
- مقرر. سید عبدالرزاق. (۱۳۸۸). تاریخ عاشورا یا مقتل الحسین. ترجمه شیخ عزیزالله عطاردی.، تهران: انتشارات عطارد.
- مهدی زاده. عنایت اله. (۱۳۹۱). ذخیره الحسین. شیراز: انتشارات نوید.
- ناظم زاده قمی. سید جعفر. (۱۳۹۰). اصحاب امام حسین از مدینه تا کربلا. قم: چاپ سوم. بوستان کتاب.
- هادی منش. ابوالفضل. (۱۳۸۷). نگرشی تحلیلی به زندگانی حضرت عباس. قم: مرکز

- پژوهش های صدا و سیما.
- ابن عنبه (۱۳۸۰). عمده الطالب. تصحیح محمد حسن الی طالقانی. نجف: مطبعه حیدریه.
- خوارزمی (۱۴۱۸ ق). مقتل خوارزمی. ترجمه محمد سماوی، انوار الهدی.
- سید بن طاوس (۱۳۸۹). لهوف. ترجمه عباس عزیزی. چاپ دوازدهم، قم: انتشارات صلاه.
- شریف القرشی. باقر. (بی تا). العباس علیه رائد الكرامه و الغدایرفی الاسلام. بیروت: بی نا.
- شیخ صدوق (۱۴۱۶). الخصال. تصحیح علی اکبر غفاری. چاپ پنجم. قم: موسسه نشر اسلامی ج اول.
- محمدی ری شهری. محمد (۱۳۹۱) منتخب میزان الحکمه. جلد اول. چاپ دوازدهم. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
- مفید (۱۳۹۰). مقتل مفید. ترجمه علیرضا جعفری، چاپ چهارم. قم: انتشارات متبوع
- ملاآقا دربندی (۱۳۹۲). اسرار الشهاده. دو جلد. ترجمه محمد حسین ابن علی اکبر شریعت مدار، تهران: انتشارات طوبی محبت.

